



## ضرورت عبور از ظواهر زندگی در حدیثی از امام کاظم (ع)

محمدحسین محمدپور با اشاره به حدیثی از امام موسی کاظم (ع) که دنیا را به ماری با ظاهری نرم و باطنی زهرآگین تشبیه می‌کند، گفت: مسئله اصلی در این روایت، خود دنیا نیست، بلکه نوع نگاه انسان به جهان و نسبت او با ظواهر فریبنده زندگی است.

محمدحسین محمدپور با اشاره به حدیثی از امام موسی کاظم (ع) که دنیا را به ماری با ظاهری نرم و باطنی زهرآگین تشبیه می‌کند، گفت: مسئله اصلی در این روایت، خود دنیا نیست، بلکه نوع نگاه انسان به جهان و نسبت او با ظواهر فریبنده زندگی است. امام کاظم (ع) محمدحسین محمدپور، پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در گفت‌وگو با ایکننا از خراسان رضوی، با استناد به حدیثی از امام موسی کاظم (ع) اظهار کرد: آن حضرت می‌فرمایند: «مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ، مَسَّهَا لَيْنٌ وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ، يَخْذَرُهَا الرَّجَالُ ذَوِي الْعُقُولِ وَ يَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيَانُ يَا أَيْدِيَهُمْ» (تحف العقول، ص ۲۹۲). بر اساس این روایت، دنیا به ماری تشبیه شده است که ظاهر آن نرم، خوش رنگ و دلپذیر است، اما در باطن خود زهری کشنده پنهان دارد؛ زهری که خردمندان از آن پرهیز می‌کنند، اما انسان‌های ناپخته و کودک صفت به سوی آن کشیده می‌شوند.

وی با تأکید بر اینکه مسئله اصلی در این حدیث، خود دنیا نیست، افزود: امام (ع) در این تمثیل، انسان را نسبت به نوع نگاه و نسبت وجودی اش با جهان پیرامون هشدار می‌دهد. بسیاری از پدیده‌های زندگی، چهره‌ای جذاب و فریبنده دارند، اما حقیقت آن‌ها را نمی‌توان صرفاً از ظاهرشان دریافت. این پیام، برای انسان معاصر که بیش از هر زمان دیگری در معرض جلوه‌های دیداری، تبلیغات، مصرف‌گرایی، شهرت‌طلبی و لذت‌های آنی قرار دارد، معنایی ویژه و راهگشا دارد.

محمدپور ادامه داد: جهان امروز، جهانی است که در آن ظواهر بیش از حقیقت‌ها دیده می‌شوند و انسان به طور مداوم با اموری روبه‌روست که در نگاه نخست نرم، دلنشین و خواستنی‌اند، اما در لایه‌های عمیق‌تر خود می‌توانند به تهنی‌شدگی معنوی، اضطراب و ازخودبیگانگی منجر شوند.

وی با اشاره به تعبیر «صبيان» در حدیث امام کاظم (ع)، گفت: مقصود از کودک در این روایت، صرفاً کودک سنی نیست، بلکه نوعی کودکی وجودی مدنظر است. کودک، جهان را بر اساس ظاهر می‌شناسد و هنوز توان تشخیص خطرهای پنهان را ندارد، به همین قیاس، بسیاری از انسان‌های بزرگسال نیز در سطحی از ناپختگی وجودی باقی می‌مانند، آنان امور را تنها بر اساس جذابیت ظاهری ارزیابی می‌کنند و لذت، هیجان و امر فوری را بر معنا، حقیقت و ماندگاری ترجیح می‌دهند.

این پژوهشگر افزود: چنین انسانی به جای جست‌وجوی بودن، تمام توان خود را صرف داشتن می‌کند و ارزش خویش را در دارایی‌ها، موقعیت اجتماعی، شهرت و نگاه دیگران می‌جوید و در نتیجه، زندگی او سطحی می‌شود و از ژرفای وجودی خود فاصله می‌گیرد.

محمدپور با اشاره به بخش دیگر حدیث، بیان کرد: در مقابل، امام (ع) از «رجال ذوی العقول» یا خردمندان یاد می‌کند. خردمند در این روایت، کسی نیست که دنیا را ترک کند یا از مسئولیت‌های اجتماعی و انسانی بگریزد، بلکه انسانی است که نسبت به دنیا هوشیار و مراقب است، او از امکانات زندگی بهره می‌برد، اما اسیر آن‌ها نمی‌شود و هویت خود را به ثروت، قدرت یا موفقیت گره نمی‌زند.

وی افزود: تعبیر یحذرنا نشان‌دهنده نوعی زیست آگاهانه است، زیستی که در آن انسان می‌داند هیچ یک از دستاوردهای بیرونی، پاسخ‌نهایی به پرسش‌های بنیادین زندگی نیست، این نگاه، با مفهوم زندگی اصیل در اندیشه‌های وجودی نیز هم‌خوانی دارد، یعنی زیستی که در آن انسان، در عین حضور در جهان، نسبت خود را با حقیقت وجودی خویش حفظ می‌کند.

این پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی بیان کرد: از منظر این حدیث، زهر کشنده دنیا نه پول است، نه لذت و نه برخورداری از امکانات زندگی، بلکه زهر واقعی زمانی پدیدار می‌شود که انسان در این امور گم‌شود و خویشتن حقیقی خود را فراموش کند. هنگامی که ارزش انسان صرفاً به موفقیت‌های بیرونی تقلیل یابد و رضایت دیگران معیار اصلی ارزشمندی او شود، زندگی به تدریج دچار تهنی‌شدگی درونی خواهد شد.

وی افزود: بسیاری از بحران‌های روحی انسان معاصر از جمله احساس پوچی، اضطراب، تنهایی و بی‌معنایی را می‌توان از همین زاویه فهم کرد. انسان امروز با وجود برخورداری از امکانات بی‌سابقه، بیش از گذشته از ملال و ناراضی‌داری درونی رنج می‌برد، زیرا جذابیت‌های سطحی هرچند نیازهای ظاهری او را تأمین می‌کنند، اما عطش عمیق معنوی اش را فرو نمی‌نشانند.

محمدپور گفت: پیام اصلی امام موسی کاظم(ع) دعوت به ترک جهان نیست، بلکه دعوت به بصیرت و آگاهی است. انسان باید بتواند میان جذابیت های گذرا و حقیقت های ماندگار تمایز قائل شود. تمثیل مار در این حدیث، بیش از آنکه ناظر به جهان بیرونی باشد، ناظر به وضعیت درونی انسان است و او را با پرسشی بنیادین روبه رو می کند؛ اینکه آیا صرفاً مجذوب نرمی و زیبایی ظواهر شده ایم یا توانسته ایم حقیقت پنهان در پس آن ها را نیز ببینیم. پرسشی که پاسخ به آن، سرنوشت معنوی انسان معاصر را رقم می زند.